

۱۷۴.۹

۱۶۱۷۶

مبانی فقهی و حقوقی
مسئولیت دولت
در
فراهم آوردن
شرایط مطلوب
حجاب و
پاکدامنی
در جامعه

سید حسین همایون مصباح



◀ چکیده

جامعه و نظامی که بر اساس اهداف دینی سامان یابیده باشد و دین مبنای نظام آن را بسازد، و یا حداقل سیاست عدم مخالفت با اساسات، قوانین و احکام مهم و ضروری دین را دنبال نماید، نمی تواند نسبت به آموزه، باورها، احکام و قوانین دینی به ویژه در ساحات اجتماعی بی تفاوت و خنثی عمل نماید، یعنی به گونه ای مسئولیت و وظایفی را در این زمینه متوجه دولت و حکومت می سازد. تا به حمایت و حفاظت از آن ها برآمده و در عملیاتی سازی آن ها یک سری اقدامات اجرایی نماید.

از شمار آن احکام و باورهای دینی که رویه و پیامد اجتماعی، ارزشی، تربیتی و اخلاقی دارد، همانا پدیده حجاب، عفاف و پاکدامنی عمومی می باشد. چون این هنجار در جامعه دینی به: ۱. باورهای که بنیاد نظام را در جامعه دینی می سازد. ۲. حقوق عمومی. ۳. اخلاق و عفت همگانی. ۴. نظم و امنیت اجتماعی ارتباط داشته و متقابلاً بر آن ها درایش دارد. طبعاً ورود و مسئولیت پذیری دولت در ساحت یاد شده مشروعیت و مجوز عقلی و شرعی می طلبد، که در این نوشتار میانی فقهی و حقوقی این مسئولیت و ورود به تفصیل ارزیابی گردیده است، و از شمار آن ها به سه مبنای فقهی، حقوقی که مسئولیت و وظایف دولت را در این حوزه مشروعیت می بخشد، توجه شده و هر یک به تفصیل مورد ارزیابی و داوری قرار گرفته اند که آن سه به شرح ذیل می باشند:

۱. ولایت دولت در جامعه دینی بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان سازوکار اجتماعی سازی هنجارها و قوانین (البته نه به گونه انحصاری)

۲. ولایت بر امور حسبه که در واقع صورت و سیرت نهادی و حکومتی فرایند اجتماعی سازی پاره ای از هنجارها و رفتارها در ایستارهای خاص می باشد.

۳. تأمین و توسعه نظم اجتماعی و امنیت عمومی در روانه ای دو گونه عملیات و فعالیت سازنده؛ یک) تأمین و ایجاد تعادل حقوقی. (دو)

بازداری و جلوگیری از اشاعه فساد و فحشا. در این موارد دلایل فقهی، حقوقی به اندازه لازم و کافی بازگویی و بازگامی شده است.

◀ مقدمه

بی تردید، پدیده حجاب و پاکدامنی به ویژه در نظم دینی، امر بایسته و شایسته ای است؛ زیرا شکل گیری و تداوم نظم دینی هر چند نه به طور کامل، بلکه به گونه ای به رعایت حجاب و توجه به آن بستگی دارد. بر این اساس، جامعه ای که نظم و نظام آن دینی است یا بر بنیاد اهداف دینی سامان یافته است یا دست کم سیاست همراهی با قوانین دینی را دنبال می کند، نسبت به پدیده حجاب و عفاف نمی تواند بی اعتنا باشد. پس برای حمایت و توسعه آن باید اقدامات عملی انجام گیرد. البته در همین زمینه، دیدگاه های متفاوت پدیدار می شود. دیدگاهی، آن را از وظایف و مسئولیت های مراجع تقلید می داند. جمعی، مراکز آموزشی و پرورشی را در این مورد مسئول می دانند. گروهی نیز نخبگان و فرهیختگان جامعه را مسئول می شناسند و بشمار دیگری، آن را از شمار رسالت های دولت و

حکومت می خوانند.

به نظر می رسد توسعه و حمایت از حجاب و عفاف در جامعه دینی، وظیفه همه مجموعه های نام برده است. در این میان، فراهم بودن امکانات، وسایل، نفوذ و در مجموع، توانایی های متنوع در راستای گسترش چنین هنجاری بسیار اهمیت دارد. در نظام دینی، دولت و حکومت از ظرفیت های خوبی در این زمینه برخوردار است. با این حال، باید توجه کرد که اصل دین و هنجار دینی، زور و فشار را بر نمی تابد، پس سازوکار دولت در این زمینه، اعمال قوه قهری نیست. البته بدحجابی یا بی حجابی اگر در قالب سیاست براندازی اصل نظم دینی دنبال گردد، نظام اسلامی حق خواهد داشت برای حفظ نظم حاکم بر جامعه، نیروی بازدارنده قهری را به کار گیرد.

به این ترتیب، حکومت اسلامی در برابر گسترش شرایط مطلوب حجاب و عفاف و نیز بازداری از بدحجابی مسئول است. حجاب و فراتر از آن، عفاف در شمار رفتارها و هنجارهایی قرار دارد که به باورهای نظم آفرین در جامعه دینی، حقوق عمومی، امنیت و سلامت، اخلاق و عفت عمومی و نظم و منفعت همگانی مربوط است.

از آن جا که هر مسئولیت و رسالتی، مبنایی دارد، در این نوشتار، میانی فقهی و حقوقی مسئولیت دولت را در گسترش عفاف و حجاب در نظم دینی باز می خوانیم.

◀ مبانی فقهی و حقوقی

مسئولیت دولت در زمینه فراهم آوردن شرایط مطلوب حجاب و پاکدامنی به موضوع این نوشتار از

جامعه ای که نظم و نظام آن دینی است یا بر بنیاد اهداف دینی سامان یافته است یا دست کم سیاست همراهی با قوانین دینی را دنبال می کند، نسبت به پدیده حجاب و عفاف نمی تواند بی اعتنا باشد.

البته بدحجابی

یا بی حجابی

اگر در قالب

سیاست براندازی

اصل نظم دینی

دنبال گردد،

نظام اسلامی حق

خواهد داشت

برای حفظ نظم

حاکم بر جامعه،

نیروی بازدارنده

قهری را به کار گیرد.

حجاب

و فراتر از آن،

عفاف در شمار

رفتارها و هنجارهایی

قرار دارد که به

باورهای

نظم آفرین در

جامعه دینی،

حقوق عمومی،

امنیت و سلامت،

اخلاق و عفت عمومی

و نظم و منفعت

همگانی مربوط است.

زوایای گوناگون می‌توان نگریست. از آن‌جا که پرسش این جستار به حکومت و اجتماع مربوط است، بازیابی مبانی آن ره در حوزه فقه حکومتی و اجتماعی باید پی‌گرفت. در این زمینه به تحلیل سه مبانی مهم باید توجه کرد:

در نظام و جامعه دینی، هرچند دولت متولی دین نیست، ولی دفاع از دین و گسترش زمینه‌های دین‌داری از مسئولیت‌هایش به شمار می‌رود. هم‌چنین باید دانست دفاع از دین همواره با جنگ و ستیز اتفاق نمی‌افتد، بلکه بهترین و کارآمدترین دفاع از دین همانا تبیین و تفهیم مفاهیم، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی برای پذیرش هنجارها و دستورهای دینی در جامعه است. دولت دینی با اقدامات تجویزی (پادشاه، ارزش‌گذاری اجتماعی، قوانین حمایتی، فضاها و نهادهای تأمین‌کننده این هنجارها) و اقدامات تحذیری و بازدارنده (منوعیت تولید، عرضه و فروش هرگونه کالاها و خدمات گسترش دهنده بدحجابی، بی‌حیایی و آلودگی آدمیان به ویژه جوانان دختر و پسر؛ مجازات و کیفرها؛ طرد اجتماعی؛ محدودسازی امتیازها) می‌تواند به پذیرش و گسترش عفاف و حجاب کمک کند.

در زبان قرآن، از اقدامات تجویزی به «خیر»، «معروف»، «حسن»، «طیب» و «صالح» تعبیر می‌شود و از اقدامات تحذیری به «خلود» نام می‌برد که در روایات به آن «تعزیرات» گفته می‌شود. خلودی که در قرآن آمده است، معنای عام دارد و شامل حدود مصطلح فقهی و تعزیرات می‌شود. بنابراین، دین در یک نظم دینی و جامعه در سطوح اجتماعی و حوزه عمومی به دو صورت می‌تواند حضور داشته باشد:

الف) هنجارسازی و هنجارشناسی

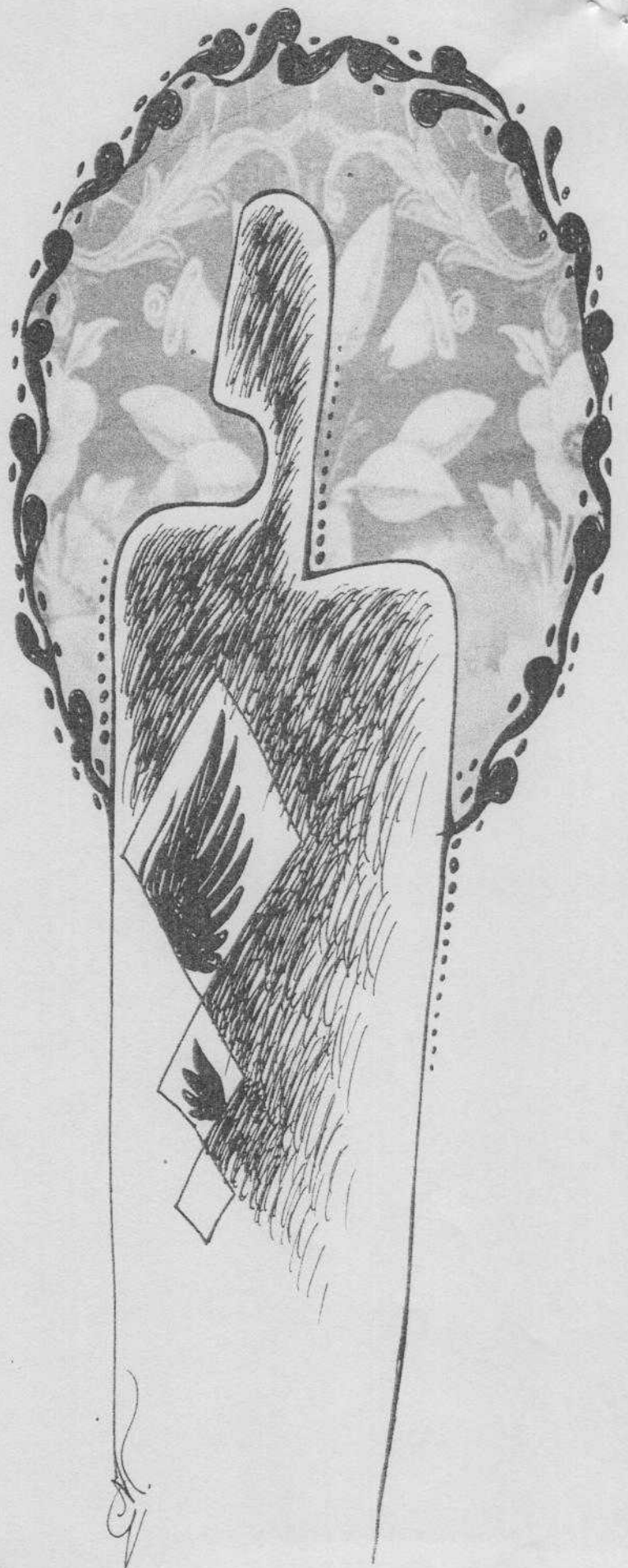
دین سلسله قوانین، ارزش‌ها و رفتارهایی را تولید و تأسیس می‌کند و به مردم عرضه می‌دارد، مثل حج، قوانین ویژه مالی (زکات، انفاق، خمس)، نماز جماعت، عبادت‌های جمعی، پوشش خاص و... هم‌چنین دست‌های از هنجارها را که برای سلامت، امنیت و انسجام اجتماعی جامعه، ضروری است و چون محصول خرد انسانی هستند، عرف و عقلای جامعه آن را پذیرفته‌اند، تأیید و به آدمیان معرفی می‌کند بی‌آن‌که خود آن‌ها را تأسیس کرده باشد. نمونه آن، هنجارهایی چون: ستم‌ستیزی، عدالت خواهی، قانون‌گرایی، احترام به بزرگان، تجلیل از خدمت‌گزاران، وقت‌شناسی و... است.

ب) ترسیم راه‌کار و سازوکار اجتماعی سازی هنجارها

در دین انسانی اسلام با سازوکاری به نام امر به معروف و نهی از منکر، نظارت و کنترل اجتماعی را بر رفتارهای مردم اعمال می‌کند که برآیند آن، اجتماعی شدن هنجارهای سازنده و طرد اجتماعی رفتارهای ویران‌گر است. جابر از امام محمد باقر (ع) روایت می‌کند که فرمود:

ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهج الصحیحین فریضة عظیمة یها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء و یستقیم الامر فانکروا بقلوبکم و القظوا بالسننکم و صکوا بها جباهکم و لاتخافوا فی الله لومة لائم...

در این روایت، به روشنی نشان داده شده است که امر به معروف و



نهی از منکر دو کارکرد دارد:

یک. پاره‌ای از هنجارها و رفتارها را در جامعه به صورت اجتماعی، نهادینه می‌سازد.
دو. پاره‌ای دیگر از رفتارها را طرد و از عمومیت یافتن آن‌ها جلوگیری می‌کند.

به هر ترتیب، اسلام، این اصل را به دلیل حیاتی بودن واجب و ضروری دانسته است. هرچند در وجوب کفایی یا عینی بودن آن میان فقیهان گفت‌وگو هم‌چنان جریان دارد، ولی در اصل وجود آن تردیدی نیست. امر به معروف و نهی از منکر، شرایط، مراتب و مراحل دارد که در فرآیند عملیاتی شدن آن باید بدان‌ها توجه داشت. نکته قابل تأمل و متناسب با هدف این جستار آن است که در پاره‌ای موارد و نسبت به دسته‌ای از هنجارها، این اصل از مسئولیت‌های ضروری دولت است، به گونه‌ای که نسبت به مجموعه نهادها، برای دولت وجوب عینی دارد، نه کفایی. امر به معروف و نهی از منکر در کلیت خود، وظیفه عمومی و همگانی است.

در برخی آیات و روایات، امر به معروف و نهی از منکر، کار ویژه مجموعه و نهاد معین و مشخصی دانسته شده است. گروهی از هنجارها و بخشی از فعالیت‌های نظارتی در راستای اجتماعی‌سازی به توانایی و ظرفیت بالای عملیاتی نیازمند است که در غیر آن صورت، نمود عینی و اجرایی پیدا نمی‌کنند. از سوی دیگر، چون نهاد دولت در جامعه از شمار نهادهایی است که از ظرفیت و توانایی بالایی بهره‌مند است، به طور طبیعی، این مسئولیت به آن معطوف می‌گردد.
اینک به بررسی آیات و روایاتی می‌پردازیم که ولایت و مسئولیت دولت را در این زمینه بازگو می‌کنند.

اول. ولایت و مسئولیت حکومت دینی

در برابر اصل امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

۱. «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهاون عن المنكر و اولئك هم المفلحون»^۱

باید برخی از شما مسلمانان، آدمیان را به خیر و خوبی‌ها فراخوانند و از پلشتی و بدکاری بازدارند. همین گروه که هدایت‌گر جامعه هستند، در کمال رستگاری و پیروزی خواهند بود.
از این آیه می‌توان موارد زیر را برداشت کرد:

الف) چنان‌که مفسران و زبان‌شناسان نیز گفته‌اند، «من» در آیه تبعیضیه است. بنابر این، مجموعه خاصی از جامعه مأمور به انجام این رسالت سنگین و حیاتی هستند. آن مجموعه نیز باید ویژگی‌هایی داشته باشد که دستور متوجه آن‌ها شده است و گرنه سخن و دستور، بی‌پایه خواهد بود. با توجه به اهمیت و سنگینی این وظیفه و نیز پی‌آمدهای اجتماعی آن، باید این دسته خاص از برخی توانایی‌هایی مثل دانایی، شجاعت، امکانات مشروعیت قانونی و مانند آن برخوردار باشند و خرد انسانی، ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد. در میان مجموعه‌ها و نهادهایی که از مجموعه توانایی‌های نام‌برده، بیش‌تر و بهتر از دیگران برخوردارند و برای عملیاتی کردن آن، پشتوانه‌ی اجرایی و قانونی نیز دارند، باید از نهاد دولت نام ببریم. البته این سخن به معنای نفی مسئولیت دیگر نهادهای بهره‌مند از این

گونه توانایی‌ها نیست.

ب) مفاهیمی مانند «خیر»، «معروف» و «منکر» از نظر مصداق، بسیار سیال و متنوع است و به همین دلیل، آن‌ها را در یک هنجار و رفتار ویژه نمی‌توان خلاصه کرد. وحی و خرد انسانی نیز در تولید و تشخیص مصداق‌های آن مفاهیم فعال است. بنابراین، پوشش و حجاب، پاک‌دامنی و عفت عمومی، به ویژه در نظم دینی از هنجارها و رفتارهایی هستند که به روشنی معروف و خیر را بازتاب می‌دهند. در مقابل بی‌حجابی، بدعفتی و ناپاکی در جامعه دینی، بازتاب منکرند.

ج) با توجه به بند یک و دو و نیز دستوری که در آیه شریفه آمده است، به این نتیجه می‌رسیم که دولت و حکومت در فراگرد فرهنگ‌سازی و توسعه و تولید پیش‌زمینه‌های مناسب پاک زیستن و پوشش داشتن افراد به ویژه خانم‌ها، مسئولیت و اختیارات قانونی و شرعی دارد.

۲. «الذین ان مکتانهم فی الارض اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور»^۲

کسانی که یاری‌گر خداوند هستند، آن‌هایی هستند که هرگاه به ایشان در روی زمین توانایی بدهیم، نماز را استوار می‌دارند. زکات را می‌پردازند و به معروف فرامی‌خوانند و از منکر باز می‌دارند و پایان هر کاری به دست خداوند است.»

توان‌مندی و توان‌سازی در قالب‌های دیگر به جز صورت دولت و حکومت ممکن بوده و عملی نیز شده است. با توجه به مجموع وظایف و اعمالی که

اسلام
با سازوکاری
به نام
امر به معروف و
نهی از منکر،
نظارت و کنترل
اجتماعی را بر
رفتارهای مردم
اعمال می‌کند
که برآیند آن،
اجتماعی شدن
هنجارهای سازنده و
طرد اجتماعی
رفتارهای ویران‌گر
است.

برای گروه به قدرت رسیده در این آیه برشمرده شده است؛ قلمرو این اعمال قدرت؛ یعنی که یکی از عناصر کلیدی، شکل‌گیری دولت است و معانی بیان شده در آیات پیش و نظر می‌رسد که حکومت و دولت، گزینش بسیار مناسبی برای انجام چنین رسالت‌ها؛ عبارت دیگر، در میان مجموعه‌های قدرت داده شده، نهاد حکومت و دولت از مصداق آن است. از سوی دیگر، هنجار اجتماعی حجاب و عفاف هم زیرمجموعه معروف است باورهای دینی است که بر اساس این آیه، تحقق و توسعه آن‌ها از وظایف دولت یا هم قدرت رسانده شده به شمار می‌رود.

۳. «ان الله يدافع عن الذين امنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور... ولولا دفع الله الناس ببعضهم لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا ولينصرن الله به درستی که خداوند از مؤمنان حمایت و دفاع می‌کند و هرگز خianت‌کار ناسپاس ندارد... و اگر خدا شر بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، همانا صومعه کشت‌ها و مسجدهایی که در آن‌ها یاد خدا بسیار می‌رود، همه ویران می‌شود و هر که کند، خدا او را یاری می‌کند.»

از این آیه شریفه به نتیجه‌های زیر دست می‌یابیم:

الف) اصل ضرورت دولت و دامنه‌ی اختیارات و مسئولیت‌های آن هرچند به طور اجماع شده است.

ب) حمایت و حفاظت خداوند از جامعه دینی و مؤمنان همیشه با کمک‌های غیبی انجام نمی‌گیرد، بلکه در بیش‌تر موارد با سازوکارهای بشری، مشهود و تجربه‌پذیر صورت این سازوکار به توانایی نیازمند است که به گونه‌های مختلف نمودار می‌شود و پیدایی یا نظام دینی از شمار مهم‌ترین این توانایی‌هاست. نظارت اجتماعی از سوی دولت نیز سازوکار حمایت است.

ج) رفع درگیری و تنش میان آدمیان بدون وجود مرجعی توان‌مند امکان‌پذیر نیست کارکردها و مسئولیت‌هایی که دارد، نهاد مناسبی برای انجام این وظیفه مهم است.

د) با توجه به مفهوم این آیه، با وجود نظام و حکومت، از نابودی نهادها، باورها و آیین دینی در جامعه جلوگیری می‌شود و به تعبیر دیگر، حقوق فرهنگی افراد جامعه تأمین و بدون تردید، در یک نظم دینی، بخشی از این حقوق نهادها و باورها همان پاک‌پوشش در حوزه عمومی هستند. بنابراین، دولت و حکومت می‌تواند سازوکار کارآمدی بر تعادل و حقوق فرهنگی مردم از جمله حجاب و عفاف باشد.

۴. «الذين يتبعون الرسول النبي الامى الذى يجدهم مكتوبا عندهم فى التوراة و يامرهم بالمعروف و ينهاهم عن المنكر و يحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث و يذ اصبرهم و الاغلال التى كانت عليهم»^۵

آنانی که از پیامبر امتی که حقانیتش در تورات و انجیل بازگو شده است، پیروی می‌آید را به خوبی و نیکی فرامی‌خواند و از زشتی باز می‌دارد و امور پاکیزه و پاک‌کننده را برایشان و پلیدی و پلیدکننده را بر آن‌ها حرام کرده است و بار سنگینی و زنجیرهای بازدارنده را برمی‌دارد.

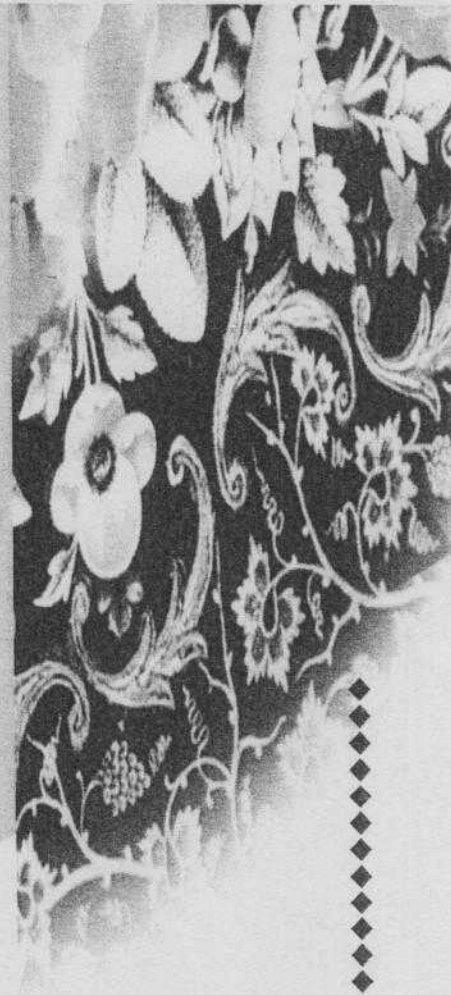
این آیه کریمه می‌رساند که:

الف) امر به معروف و نهی از منکر و فراهم آوردن فضا، کالاها و خدمات سالم و سلا کنار آزاد و توان‌مندسازی افراد جامعه و جلوگیری از گسترش تضاد آن از وظایف پیامبر است. این امور جز کار ویژه‌های رهبری و مدیریت جامعه است.

ج) در جامعه دینی، گروهی که به نمایندگی از پیامبر، رسالت رهبری و مدیریت جای عهده می‌گیرند، همانا مجموعه حکومت دینی است که چنین مسئولیت‌هایی دارد.

د) بدون تردید، عفت و پاک‌دامنی عمومی و صورت‌خاص آن؛ یعنی حجاب زنان از مصداق معروف و در شمار عملیات سالم‌سازی جامعه دینی است.

۵. «و ممن خلقنا امة يهدون بالحق و به يعدلون»^۶



قرآن کریم،
تعطیلی و بی‌توجهی
به دستورهای دینی
را همانا تجاوز
به حدود الهی و
مخالفت با خدا
و رسولش
خوانده است
که پی‌آمدهای
بسیار ناگواری
برای آن پیش‌بینی
شده است.



از خلقی که آفریدیم، گروهی به حق هدایت می‌شوند و از باطل به حق برمی‌گردند.»

اگر این آیه را چنین معنا کنیم که گروهی، خلق را به حق هدایت می‌کنند، می‌توان گفت که حکومت، از مصداق‌های روشن این گروه می‌تواند باشد.

۶. «هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم، یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة»^۷

این آیه شریفه، یکی از وظایف و مسئولیت‌های پیامبر اعظم (ص) را پرورش و آموزش آدمیان در چارچوب وحی و خرد می‌داند. از یک سو، این دو رسالت از نظر سازوکار، گوناگون است و اموری که مصداق آن دو باشند، متنوع هستند. به طور طبیعی، عفت عمومی، پاک‌دامنی و پوشش افراد جزو رفتارهایی است که در چارچوب وحی و خرد در نظم دینی باید در ساختار آموزش و پرورش قرار گیرند.

از سوی دیگر، هم‌چنان‌که رفتار پیامبران به ویژه پیامبر بزرگوار اسلام شاهی بر آن است، نظارت‌های تجویزی و تخطیری جهت اجتماعی شدن این هنجارها در جامعه دینی اعمال گردیده است. بنابراین، در جامعه دینی، دولت در راستای دفاع از دین موظف به چنین نظارت‌هایی است.

قرآن کریم، تعطیلی و بی‌توجهی به دستورهای دینی را همانا تجاوز به حدود الهی و مخالفت با خدا و رسولش خوانده است که پی‌آمدهای بسیار ناگواری برای آن پیش‌بینی شده است. «و من یعص الله و رسوله و یتعد حدوده یدخله نارا خالدا فیها و له عذاب مهین»^۸

دوم، ولایت و مسئولیت حکومت دینی

در برابر اصل امر به معروف و نهی از منکر در حدیث

۱. سئل الامام الصادق (ع) عن الامر بالمعروف و النهی عن المنکر او اوجب علی الامة جمیعاً؟ فقال: لا. قبل و لم؟ قال: انما هو علی القوی

المطاع العالم بالمعروف من المنكر لا على الضعفا
سبيلا^۱

از امام صادق (ع) پرسیده شد: آیا این فریضه بر هر
حضرت فرمود: خیر. گفتند: چرا؟ حضرت فرمود: این
قدرت و علم دارند و اعمال حاکمیت می‌توانند و مورد
می‌گیرند، واجب است نه ضعیفان که راه به جایی نمی
یکی از مصداق‌های عمل به این دستور می‌تواند
باشد.

۲. عن الفضل بن شاذان عن الرضا (ع) انه كتبه
محض الاسلام شهادة ان لا اله الا الله... الى ان
بالمعروف و النهي عن المنكر واجبان اذا امكن و لم
النفوس.^{۱۰}

امام رضا (ع) به مأمون نامه نوشت و فرمود: اسلا
است. تا آن که فرمود: - امر به معروف و نهی از منکر
قدرت و توانایی فراهم باشد و ترس بر جان نباشد، و
۳. مسعده گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که در
پرسش که معنای این سخن پیامبر که «ان افضل الحج
عند امام جائر» چیست؟ فرمود: «هذا على ان يامر بعد
ذلك يقبل منه و الا فلا!»^{۱۱}

یعنی پس از آن که سلطان جائر را بشناسد و بداند که
معروف و نهی از منکر را قبول می‌کند، این کار بر او واجب
واجب نیست.»

۴. عن ابي عبدالله (ع) قال: انما يامر بالمعروف و ينهى
كانت فيه ثلاث خصال: عالم بما يامر به، تارك لما ينهى عن
يامر، عادل في ما ينهى، رفيق في ما يامر، رفيق في ما ينهى
امام صادق (ع) فرمود: امر به معروف و نهی از منکر تنها
است و می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر کنند که سه
باشند: عالم و دانای به معروف باشند و از آن چه نهی می‌کنند
و در امر به معروف و نهی از منکر عدالت بورزد. هم‌چنین در
بدان می‌خواند و چیزی که از آن باز می‌دارد، مدارا داشته باشد
در این چند روایت ویژگی‌ها و شرایط ویژه‌ای برای امر به
از منکر بیان شده است که همه بازتاب یک واقعیتند که هم‌ا
قدرت است. بنابراین، مجموعه‌های توان‌مند شایستگی بیشتر
هنجارهای خاص مانند امر به معروف و نهی از منکر دارند
مجموعه و نهاد توان‌مند منحصر به دولت نیست، ولی حکومت
جامعه دینی، مصداق شاخص و اثرگذار این توانایی‌ها است. ه
پیش‌تر از این نیز گفته شد، حجاب و عفاف از شمار معروفند. پس
سیاست‌گذاری‌های دولت قرار می‌گیرند.

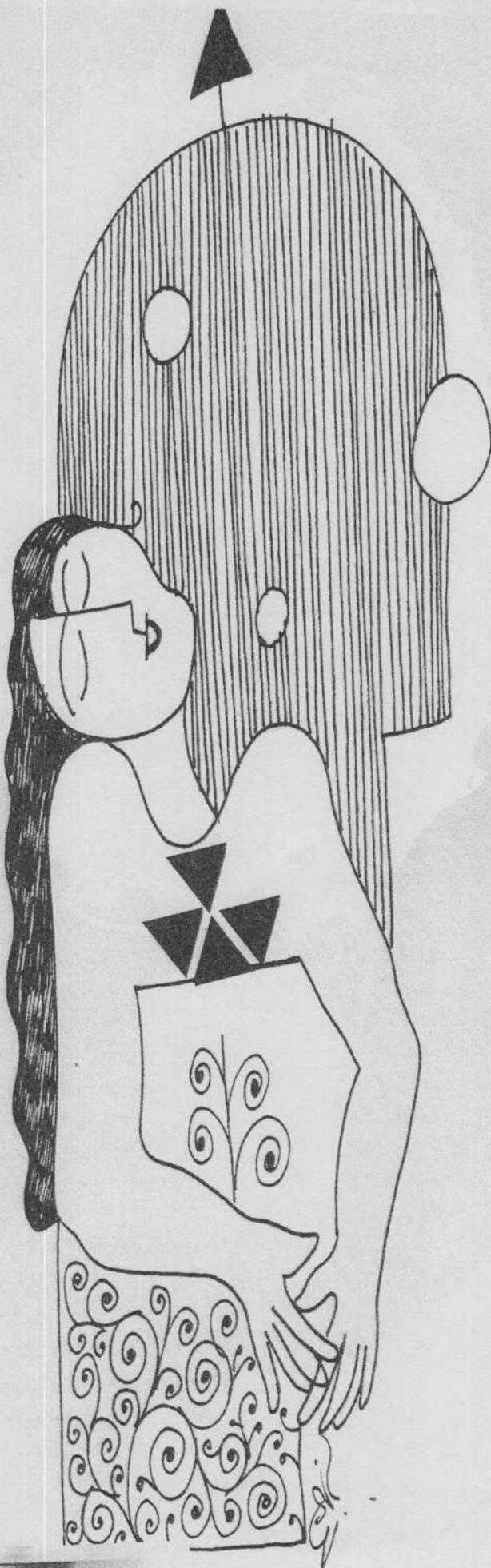
در روایت معتبره عبدالرحمن بن الحجاج از امام کا
است:

في قول الله عزوجل: «يحيى الارض بعد موتها» قال: بل
بالقطر ولكن يبعث الله رجلا فيحيون العدل فتحيي الارض
العدل و لاقامة الحد فيه انفع في الارض من القطر اربعين
از این روایت درمی‌یابیم:

۷۲

پایان

ویژه حجاب و مسئولیت‌های دولت اسلامی



۱. آبادانی، رشد و سلامت جامعه تنها برآیند فراهم بودن عوامل مادی و مالی نیست، بلکه بیش و پیش از آن، به عواملی چون عدالت اجتماعی، قانون گذاری و مهم تر از آن، اجرای قانون به ویژه قوانین بازدارنده و تحذیری وابسته و گره خورده است.

۲. دین در این فرآیند، نقش چشم گیری دارد.
۳. اجرای قوانین و حدود و نیز گسترش عدالت در دامنه اختیارات و مسئولیت دولت مشروع در جامعه دینی قرار دارد. به تعبیر دیگر، ولایت بر اجرای حدود و قوانین و نیز دفاع از دین از شمار وظایف دولت است. این وظایف و مسئولیت ها در روایتی که می آید، روشن تر بازتاب یافته است. در خبر عبدالعزیز بن مسلم به نقل از امام رضا (ع) آمده است:

«بالامام تمام الصلاة و الزکاة و الصیام و الحج و الجهاد و توفیر القی و الصدقات و امضاء الحدود و الاحکام و منع الثغور و الاطراف الامام یحل حلال الله و یحرم حرام الله و یتقی حدود الله و یتذبح عن دین الله»^{۱۳}

این روایت، وظایف و مسئولیت رهبری و مدیریت جامعه دینی را در عرصه های اقتصادی، مالی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی، قانون گذاری، اجرای قوانین و دفاع از دستوره های دین بازگو کرده است که در صورت دولت نمود و عینیت می یابد. نظر برخی فقیهان نیز در این موضوع همین است.

صاحب جواهر در کتاب ارزش مند و گران سنگش، امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف و مسئولیت های نظام حکومتی می داند که در وجود امام بازتاب می یابد. این رسالت را بدان جهت متوجه نظام حکومتی می بیند که از توان مندی برخوردار است. بنابراین، وجوبش را مشروط به بسط الید (قدرت) بودن مقام امامت و نظام حکومتی می سازد:

انه مع بسط یده الواجب علیه جمیع افراد الامر بالمعروف التی منها الجهاد و قتال البغاة و اقامة الحدود و التعزیرات و رد المظالم العامة و الخاصة و غیر ذلک مما لایقوم به الا الامام علیه السلام.^{۱۴}

شیخ در کتاب «نهایه» و «اقتصاد»، سلامه، ابن براج و محقق در شرایع بر این باورند که هرگاه بازداری از منکر به رفتارهایی نیازمند باشد که قدرت و توانایی می طلبد، مثل جراحت وارد کردن یا کشتن، به اجازه امام نیاز ضروری پیش می آید و بدون اجازه مقام امامت، چنین اقداماتی از سوی افراد و گروه ها جایز نیست. این فتواها می رساند که پاره ای از مراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر از شمار اختیارات دولت و حکومت است.

۴. ولایت دولت در حسبه

از جمله فعالیت هایی که در شمار رسالت و اختیار دولت در حوزه عمومی قرار دارد و دولت می تواند و باید برای اجرای آن اقدام کند، همانا وظیفه مهم حسبه است.

برای حسبه و محتسب تعریف های زیاد و گوناگونی بیان شده است که اکنون مجال پرداختن به آن ها نیست. حسبه در واقع همانا صورت نهادی و سازمان یافته حکومتی و دولتی امر به معروف و نهی از منکر است که در آن، دولت به طور مستقیم افراد و نهادهای معینی را به این گونه مسئولیت ها می گمارد. تاریخ اسلام گواه روشنی است که شخص پیامبر اعظم (ص)،

خلیفه اول و دوم و امام علی (ع) به عنوان مدیر و رهبر جامعه به امور حسبه پرداخته یا نهادهایی را برای این امر موظف کرده بودند.

بدون تردید، از جمله رفتارها و هنجارهایی که در دایره حسبه قرار می گیرد، این است که از هرگونه رفتار و هنجاری که به سلامت جنسی و جسمی، پاک دامنی عمومی و بهزیستی همگانی می انجامد، حمایت کند

و زمینه های لازم را برای گسترش آن ها فراهم آورد. در مقابل، از رفتارهایی که به اخلاق و عفت عمومی آسیب می رسانند، جلوگیری کند.

بی حجابی یا بدحجابی به ویژه از سوی بانوان هرگاه به مثابه هنجارها و رفتارهای آشکار اجتماعی درآید، به اخلاق و عفت عمومی آسیب می رساند و

هنجارهای بازدارنده و منفی در نظم دینی به شمار می آیند. در مقابل، حجاب و پوشش متناسب به بهزیستی و پاک دامنی عمومی یاری می رساند و جزو هنجارهای سازنده قرار می گیرند. به این

ترتیب، حجاب از دو ساحت در دایره حسبه قرار می گیرد که دولت و حکومت می توانند در این زمینه فعالیت کنند.

دولت برای گسترش پاک دامنی عمومی و هنجارهای سالم جنسیتی باید به اقدامات عملی (نهال سازی، ایجاد تسهیلات ازدواج، کار، فضای فرهنگی مناسب) بپردازد و بودجه ویژه ای برای این کار تخصیص بدهد.

دولت مسئولیت و اختیار دارد تا از عمومی شدن چنین رفتارهایی بازداری کند؛ چون در برابر سلامت و عفت عمومی مسئول است.

آبادانی، رشد و سلامت جامعه تنها برآیند فراهم بودن عوامل مادی و مالی نیست، بلکه بیش و پیش از آن، به عواملی چون عدالت اجتماعی، قانون گذاری و مهم تر از آن، اجرای قانون به ویژه قوانین بازدارنده و تحذیری وابسته و گره خورده است.

صاحب جواهر در کتاب ارزش مند و گران سنگش، امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف و مسئولیت های نظام حکومتی می داند که در وجود امام بازتاب می یابد.

حجاب از دو ساحت در دایره حسبه قرار می گیرد که دولت و حکومت می توانند در این زمینه فعالیت کنند.

اقداماتی که دولت در این زمینه انجام می‌دهد، مجازات بدنی باشد، بلکه بیش از همه باید اقدامات پیش‌دستور کار خود قرار دهد.

هنجار بدحجابی و بی‌حجابی در یک نظم دینی جنسیتی و عفت و پاک‌دامنی عمومی آسیب می‌رساند. منفی کمک می‌کند. بنابراین، براساس آموزه‌های بیان دولت می‌تواند و باید اقدامات بازدارنده، پرورشی و زایشی، مطلوب حجاب و عفاف در جامعه به کار بندد.

این اخوه شافعی در «معالم القریه فی احکام الحسبه» می‌کند که به اخلاق و عفت عمومی و به تبع آن حجاب محتسب می‌تواند از بعضی مباحات جلوگیری کند؛ همسر خویش پیش چشم مردم ملاحظه و گفت‌وگوهای مورد اعتراض واقع می‌شود. البته محتسب وظیفه ندارد ناآشف و بدین وسیله پرده‌داری نماید... نیز رسول خشمی که کاری ناشایست و معصیتی را ببیند و به آن اعتراض و جلوگیری آن اقدامی نکند، در روز قیامت، خداوند آن را گز از دوستداران خداوند متعال باشد... محتسب باید پس از غسل خانه، به زنان دستور دهد که پشت سر مردان حرکت نشوند و باید آنان را از برهنه کردن سر و صورت در پشت چ نیست کسی از روی پشت بام‌ها و پشت پنجره‌ها به خانه کند و نیز مردان نباید در موارد غیر ضروری در راه‌هایی که است، بنشینند و اگر کسی هر یک از این امور را مرتکب شود، می‌کند.^{۱۴}

این متن و فرمایش حضرت رسول (ص) در آن به روه جامعه دینی باید برای توسعه و تولید پیش زمینه‌های هنجارهای پاک‌زیستی، حجاب و حیای افراد و جامعه پیش‌گام شود و آلودگی‌های اخلاقی، جنسیتی و بی‌حجابی دامن می‌زنند، جا این کارها معصیت اجتماعی هستند و بی‌آمدهای تخریبی فرا در مقابل آن‌ها جایز نیست. و هرگاه در حالت غم و اندوه برای مردمی که در بی‌جنازه می‌روند، برهنه کردن سر و صورت حالت‌های طبیعی که زمینه‌های فساد و آلوده شدن چند برابر سطح اجتماع، بی‌حجابی هرگز جایز نیست و نهادهای دولتی کار را بگیرند. نکته مهم دیگر در این متن آن است که پرده بدحجابی یا بی‌حجابی و ناپاکی از سوی مردان نیز ممنوع است زمینه باید اقدامات پیش‌گیرانه را به کار بندد.

سوم - پاس‌داری از نظام و تأمین نظم اجتماعی و امنیت عمومی

یکی از کارهای ویژه دولت و حکومت که دامنه ورود و نفوذ اجتماعی ترسیم می‌کند، حفظ و تأمین نظم اجتماعی و امنیت عمومی است که اگر دولتی از پس این مهم برنیاید، مشروعیت ملی نخواهد داشت. در واقع، فلسفه وجودی هر دولتی، به این دو مقول از شمار کار ویژه دولت که در واقع، دامنه ورود و خروج آن را در نیز ترسیم و تعیین می‌کند، همانا حمایت و پاس‌داری از نظم و نظام



نظم

ری و
را در
قی و
های
تها،
رابط
از گو
با
پرد،
بجو
هر
بیر
ولو
از
ط
یز
اه
ن
ر

طور قانونی برآمده است و مردم آن را پذیرفته‌اند.

در این مقام و مبنا از دوراه می‌توان به مطلوب که همان نقش دولت در گسترش پدیده حجاب و عفاف در جامعه دینی باشد، دست یازید. یکی این‌که هر نظامی بر پایه شماری از باورها و ارزش‌ها استوار است که بقا و دوام آن نظام در گرو حفظ و حمایت از آن ارزش‌ها و باورها است. دیگر این‌که کلیدی‌ترین سازه و عامل نظم در هر جامعه‌ای همانا نظم اجتماعی و امنیت عمومی است که رسیدن به آن دو به مجموعه‌ای از عملیات و اقداماتی بستگی دارد که در ادامه بیان می‌شوند.

با تحلیل این دو مطلب که هم‌پوش یک‌دیگر هستند، وظیفه دولت را در زمینه گسترش شرایط مطلوب عفاف و حجاب می‌توان دریافت. گفتیم که هر نظامی بر محور مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های پایه حرکت می‌کند که بر ساخته از همان‌ها نیز هست. از سوی دیگر، چنین باورها و ارزش‌هایی مشمول و مستلزم یک دسته از احکام و هنجارهایی است که از آن‌ها نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. «بنابراین، دولت ناگزیر از حمایت و توسعه چنان باورها و ارزش‌ها و به تبع این دو، احکام و هنجارهای برآمده از آن‌ها می‌باشد. در غیر این، هم‌بستگی و انسجام اجتماعی به گسست و بی‌نظمی اجتماعی تبدیل شده که بی‌آمدهای ویران‌گری برای مردم به وجود می‌آورد و دولت در مقابل همه مسئول می‌باشد؛ چون حفظ و توسعه هم‌بستگی اجتماعی و سیاسی... از شمار وظایف و کار ویژه دولت و حکومت می‌باشد».^{۱۷}

در نظم لیبرال، فردگرایی، مالکیت خصوصی و آزادی از شمار باورهایی است که مسئولیت دولت‌ها و محدودیت آن‌ها را ترسیم و تعیین می‌کند، به گونه‌ای که هنگام برخورد با این باورهای پایه‌ای، از هر فضیلت دیگری مانند عدالت، برابری و مشارکت چشم‌پوشی می‌کنند. برای نمونه، در این نظام، «برابری یک ارزش در میان ارزش‌های بسیار است. پس باید بعضاً آن را به خاطر ارزش‌های دیگر به مصالحه گذاشت: ارزش‌هایی مثل کارایی و آزادی».^{۱۸}

ایجاد زمینه و فرصت برای حمایت و توسعه آزادی و فردگرایی از مسئولیت‌های کلیدی دولت در نظام لیبرالی است که باید در نظم کیفری، قضایی و اقتصادی چنین جامعه‌هایی بازتاب یابد.

روشن است در جامعه دینی که باورهای دینی در مبانی و اهداف نظم آن نقش مهمی دارد و پایه‌های نظام حاکم بر آن را می‌سازد. دولت مسئول پاس‌داری از آن باورها و ایجاد شرایط مطلوب برای بالندگی و گسترش چنین باورهایی است. این مسئولیت می‌طلبد تا دولت هرگونه رفتار و هنجارهایی را که به این باورها آسیب می‌رساند، محدود و مهار سازد و از عمومیت یافتن آن جلوگیری کند.

حجاب و عفاف در دین اسلام، حکم انکارناپذیر است و به همین دلیل هیچ کدام از مذہبی‌های اسلامی در ضرورت پوشش و پاک‌دامنی با هم اختلاف نظر ندارند. اگر پدیده بدحجابی یا بی‌حجابی عمومیت پیدا کند، به باورهای دینی که پایه نظم دینی هستند، آسیب جدی وارد می‌کنند. بنابراین، دولت اسلامی وظیفه دارد تا از یک سو، با تبدیل شدن بدحجابی و بی‌عفتی به هنجار مبارزه کند و از سوی دیگر، زمینه‌ها و شرایط لازم را برای گسترش حجاب فراهم آورد. در واقع، وظیفه دوم، مهم‌تر و کارآمدتر از وظیفه اولی است؛ چون بازداری در

صورتی پاسخ مثبت می‌دهد که جای‌گزین مناسب عرضه شود. عوامل و زمینه‌های بی‌عفتی و بدحجابی وقتی مهار می‌گردد که دولت اسلامی، فضای مناسب و مساعد برای پاک‌دامن زیستن و محبوب بودن را گسترش دهد. در قرآن کریم آمده است:

«الذین يتبعون الرسول النبي الامى الذين يجدونه مكتوباً عندهم فى التوراة و الانجيل يا مرمهم بالمعروف و ينههم عن المنكر و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبائث»^{۱۹}

حمه «و يحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث» به دو صورت، مدعی بیان شده در این قسمت را تبیین می‌کند:

۱. آدمیان در حالت طبیعی و فطری از آلودگی‌های اخلاقی و جنسیتی روی‌گردانند. چون بی‌عفتی، ناپاکی و بی‌حجابی زنان و مردان مشمول همین حکم است. در مقابل، پاک‌دامنی انسان‌ها به ویژه زنان در جامعه دینی، مصداق برجسته طیبات است و به همین دلیل، مطلوب آدمیان در یک نظم دینی قرار می‌گیرد.

۲. برای حفظ خیا، عفت، پاک‌دامنی و باحجابی و در مجموع، سالم و پاک زیستن، باید قوانین حمایتی در جامعه وضع و اجرا شود تا فرهنگ عفاف نهادینه گردد و (یحل لهم الطيبات) - هم‌چنین باید قوانین، هنجارها و نهادهای بازدارنده را در برابر بی‌حجابی و آلودگی‌های جنسیتی و اخلاقی پدید آورد و گسترش داد (و يحرم عليهم الخبائث) - این دو وظیفه دشوار در شمار رسالت پیامبر اعظم اسلام خوانده شده است. به طور طبیعی، در شرایط کنونی، نهادی که بنابر جایگاه و توانایی‌اش می‌تواند این

یکی از
کارهای ویژه
دولت و حکومت
که دامنه ورود و
نفوذش را به
امور اجتماعی
ترسیم می‌کند،
حفظ و تأمین
نظم اجتماعی و
امنیت عمومی
است، به گونه‌ای
که اگر دولتی از
پس این مهم
برنیاید،
مشروعیت ملی و
بین‌المللی
نخواهد داشت.

دولت اسلامی
وظیفه دارد تا از
یک سو، با
تبدیل شدن
بدحجابی و
بی‌عفتی به
هنجار مبارزه
کند و از سوی
دیگر، زمینه‌ها و
شرایط لازم را
برای گسترش
حجاب فراهم
آورد.

رسالت دشوار را به سرانجام برساند و قانون گذاری و نهادسازی کند دولت است. پس براساس این آیه مبارکه، دولت اسلامی، مسئولیت ایجاد و توسعه شرایط مطلوب حجاب و عفاف را در جامعه دینی برعهده دارد.

در قرآن می خوانیم:

«الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور»^{۲۰}

خداپرستان، کسانی هستند که هرگاه در روی زمین بدانها قدرت و توانایی بدهیم، نماز برپا می دارند، زکات می دهند و به خوبی ها و خیرها رهنمون می گردند و از بدی ها بازداری می کنند.»

در این آیه شریفه، سه باور ضروری و واجب اسلامی بازگو شده است: نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر که سه حوزه عبادت ویژه، نظم اقتصادی و مالی و کنترل اجتماعی را پوشش داده است. از سوی دیگر، از زبان و سیاق آن که مخاطبان و مدلول های جمعی را نشانه گرفته است، به این واقعیت می رسیم که مراکز و نهادهای پرتوان، مسئول گسترش و توسعه «(اقاموا)، «اتوا» و «امروا» «نهوا» این باورهای هم پوش در سطح زندگی اجتماعی هستند. چون دولت از شمار توان مندترین آن ها است، مسئولیت سنگینی در حمایت و توسعه باورها و اصول پایه ای و نظم آفرین در زندگی اجتماعی دارد.

به این ترتیب، این آیه به روشنی می رساند که دولت اسلامی، مسئول حمایت و تقویت اصول و باورهایی است که بنیاد نظم دینی هستند. این کار مستلزم آن است که دولت، رفتارها و هنجارهایی را در جامعه گسترش دهد که به تقویت آن اصول و باورها می انجامد. عفت و حجاب در اسلام و در جامعه دینی با خود از آن باورها است یا دست کم از شمار رفتارها و هنجارهایی است که در تقویت و حمایت آن اصول و باورهای پایه ای، نقش کلیدی دارند.

رهبر انقلاب از همین زاویه به مسئله پوشش نگریسته است و نهادهای مسئول را موظف می داند که با اقدامات پیش گیرانه مثل ممنوعیت قانونی تولید کالاهای مبتذل و ضد حجاب، فضای سالم را برای توسعه فرهنگ عفت و حیا در جامعه فراهم سازند. ایشان می فرماید: «همه کسانی که در جامعه اسلامی زندگی می کنند، موظف هستند که اصول دین و جامعه و مقررات این جامعه را رعایت کنند. و این یک مقررات و قانون است و این قانون با همه جوانب و اطرافش از قبیل ممنوعیت تولید و عرضه کالاهای ضد حجاب است، مثل لباس های مبتذل و امثال این ها باید در مجلس شورای اسلامی تصویب و به مورد اجرا گذاشته شود و پشتوانه اجرایی این قانون هم همان کار فرهنگی است.»^{۲۱}

تأمین نظم اجتماعی و امنیت عمومی که از سازه ها و عناصر گوهری هر نظامی به شمار می روند، کار ویژه هر دولتی را می سازد، به گونه ای که هرگاه دولتی از بی این مهم برنیاید، مشروعیت و مقبولیت ملی و بین المللی خود را از دست خواهد داد. به تعبیر گویاتر، دو گونه اقدام و فعالیت از سوی دولت به پیدایی و بویایی و تدلوم نظم اجتماعی و امنیت عمومی می انجامد و به همین دلیل، لازم و ضروری است. راه کارهای دست یابی به نظم اجتماعی و امنیت عمومی را می توان چنین برشمرد:

الف) سازوکارهای حقوقی

بی تردید، جلوگیری از نقض حقوق آدمیان تأمین و تنظیم آن ها از مهم ترین وظایف و کارکرد است. اکنون این سازوکارها را برمی شماریم:

یک - حق کرامت انسانی و صیانت

هر انسانی به صرف انسان بودن از این دو لازمه کمک به تأمین این دو حق، ممنوعیت هرگز و زیر سؤال بردن شخصیت انسانی است. بنابراین معنای عام) که به پاک سازی اجتماعی، پاک زبانه و حجاب و حیای عمومی^{۲۲} آسیب برساند، از مصداق خواهد بود. حق پوشش و پرهیز از برهنگی با آفر است. پوشش و پوشیدگی به عنوان سازوکار حفظ به ارزش مندی و حرمت فرزندان ادم در مقابل بره فاصله گرفتن از خوبی ها و پکی ها قرار دارد. ح مهم ترین سازوکارهای پاک زیستن، شدن و بودن آلوده سازی و حمایت و کمک به پاک دامنی اجته مسئولیت حکومت قرار دارد. چون بی حجابی به و نشانه ورود بی عفتی و آلوده سازی عمومی است، منطقی و تدریجی، محدود و مهار گردد.

در قرآن کریم می خوانیم:

«ولا یتخسوا الناس اشیاءهم و لاتعشوا فی الارض این آیه شریفه به روشنی هرگونه رفتاری را فرآورده های سازنده انسان را از ارزش و قدر می اندازد بدین صورت به حمایت و کمک حق کرامت و صیانت در آیه دیگری آمده است:

«وعباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هو، الجاهلون قالوا سلاما»^{۲۳}

این آیه، یکی از ویژگی های انسان ها را بازگو می کند جمعی، صفت رحمانیت خداوند را با بی تابانند. واکنش (الرحمان) هرگاه با بدرفتاری و تندگفتاری دیگران رو فراگرد تعامل رفتار و گفتاری است که به سلامت و (جاهلون) می انجامد. این گونه برخورد عبادالرحم اجتماعی سازی هنجارها، خودداری از بی حرمتی و از ا دیگران و حمایت از حق کرامت و کمک به گسترش صیانت از شخصیت انسانی انسان ها است.

براساس مفهوم این دو آیه و آیات دیگر، همه موظف تأمین این حقوق هستیم و این مسئولیت در دولت سه فلسفه وجودی دولت، حفظ نظم و امنیت اجتماعی است تأمین حقوق نیز در این راستا می گنجد.

در روایات، با توجه به حقوق نام برده، به دولت اجازه و دس است تا در مواردی که به این حقوق انسان ها به ویژه بانوان می گیرد؛ چون این کار به آلودگی اجتماعی دامن می زند، در در روایت صحیحی ابی بصیر می گوید شنیدم که او

به
مت
ند
نی
به
۳۱
۵
۶
د
ز

می فرماید:

«من کانت عنده امرأه فلم یکسها ما یواری عورتها و یطعمها ما یقیم صلیبها کان حقا علی الامام ان یفرق بینهما»^{۳۶}
هر کسی زنی نزدش هست، ولی پوشاکی را که عورت او را پنهان سازد، برایش فراهم نمی‌سازد و خوراک به اندازه‌ای که ادامه حیاتش را تأمین و تقویت ببخشد، به او نمی‌دهد، در این حالت بر رهبر جامعه لازم است تا میان آن دو جدایی افکند و حق زن را بستاند.»
در صحیحیحه محمد بن سنان می‌گوید که از امام صادق (ع) شنیدم در مورد مردی می‌فرمود:

فی رجل اراد امرأه علی نفسها حراما فرتمه بحجر اصابت منه مقتلا. قال (ع) لیس علیها شیء فیما بینها و بین الله عزوجل و ان قدمت الی امام عادل اهدر دمه.^{۳۷}

مردی خواست به زنی تجاوز کند. در این هنگام، زن به سوی آن مرد متجاوز سنگ انداخت که بر اثر آن مرد جان باخت. از نظر قانونی، هیچ حکم و مجازاتی برای زن وجود ندارد و اگر چنین حادثه و مرد متجاوز را به رهبر جامعه تحویل می‌دادند، خونش را حلال و مهذور می‌کرد. از این دو روایت نکته‌های زیر برداشت می‌شود:

۱. پوشش زن مانند دیگر عوامل و منابع ادامه حیات او از حقوق مسلم زن است و افراد (مانند شوهر) و مراکز مسئول (دولت) وظیفه حمایت از این حق و فراهم آوردن آن ابزار را برعهده دارند.

۲. از فعالیت‌هایی که به عفت و پاک‌دامنی زنان آسیب می‌رساند، نباید حمایت قانونی، حقوقی و اجتماعی صورت بگیرد.

۳. دولت مسئولیت دارد تا از هرگونه رفتار و هنجارهایی که به کرامت، شخصیت و پاک‌زیستی افراد به ویژه قشر ضعیف جامعه، یعنی زنان آسیب وارد می‌کند و زمینه بی‌عفتی آن‌ها را فراهم می‌سازد، جلوگیری کند.

۴. بی‌تردید، گسترش و عمومی‌سازی بی‌حجابی به ویژه در میان نسل جوان به پاک‌زیستی جامعه آسیب می‌رساند و زمینه بی‌عفتی و بی‌حیایی را فراهم می‌آورد. بنابراین، دولت مسئول کمک به پیدایش شرایط مطلوب پاک‌زیستن افراد است.

کمک دولت به تأمین حقوق اجتماعی در منابع حقوقی و قانونی مانند اسنادهای بین‌المللی بازتاب گسترده‌ای دارد و اختیارات و مسئولیت‌های اجرایی و حمایتی از حقوق جنسیتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی، مالی زنان، به دولت‌ها تفویض شده است. در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که در شش بخش و ۳۰ ماده در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، از دولت‌ها خواسته شده است که تلاش عملی و حمایتی لازم را در این زمینه انجام بدهند. در ماده ۶، بخش ۱ این کنوانسیون نیز آمده است: «دولت‌های عضو باید به هر نوع اقدام مقتضی از جمله وضع قانون دست بزنند تا از هرگونه معامله بر روی زنان و بهره‌برداری از فحش‌های آن‌ها جلوگیری کنند».^{۳۸}

هدف از یادآوری این اسناد تنها بیان این واقعیت است که مسئولیت و اقدامات عملی دولت در حمایت از حقوق زنان و پاس‌داری از حرمت و پاک‌دامنی آن‌ها، پدیده‌ای خلاف عقل، عرف و حقوق نیست. بدیهی

است دامنه، موارد، موضوع‌ها و سازوکارهای ورود دولت به این موضوع، با توجه به نظم حاکم بر هر جامعه، متفاوت خواهد بود. پس ادعای آنان که دخالت دولت در زمینه حجاب و عفاف زنان را غیر معقول و تجاوز از حوزه اختیارات و مسئولیت دولت می‌دانند، نادرست است.

دو. حمایت، تأمین و کمک به حقوق عمومی^{۳۹} و حقوق مشترک^{۴۰}

حقوق عمومی سه ویژگی دارد:

۱. قابل گذشت، سازش و اسقاط از سوی فرد نیست.

۲. منافع، سود و امتیازهای آن به همگان می‌رسد و به فرد از آن نظر که زیرمجموعه همگان قرار می‌گیرد، تعلق پیدا می‌کند، نه از نظر فردی.

۳. وابسته به همگان است، نه فرد و گروه خاص.

۴. مبانی هستی‌شناختی آن، هویت جمعی و مبانی حقوقی و قانونی آن، شخصیت حقوقی است.

در مقابل، حقوق فردی یا خصوصی، وابسته به فرد به عنوان فرد است. و او حق اسقاط، سازش و پس‌گرفتن دارد. همین حیثیت فردی نیز مبانی هستی‌شناختی آن به شمار می‌رود. حقوق مشترک، ویژگی‌های هر دو گونه حقوق یاد شده را دارد، مانند حق قصاص، قتل غیرعمد و...

پوشش، حیا و پاک‌داهتی از حقوق عمومی است و در نظم دینی، جزو حقوق عمومی و حقوق مشترک به شمار می‌رود؛ زیرا تمامی ملاک‌های آن‌ها واحد است. پاک‌دامنی و پوشش، قابل گذشت، سازش و اسقاط از سوی

پوشش، حیا و پاک‌دامنی از حقوق عمومی است و در نظم دینی، جزو حقوق عمومی و حقوق مشترک به شمار می‌رود؛ زیرا تمامی ملاک‌های آن‌ها واحد است.

پاک‌دامنی و عفت عمومی، پوشش و حجاب در حریم عمومی و اجتماعی از مسئولیت‌های اجتماعی است و به ویژه در نظم و جامعه دینی، زیرمجموعه حقوق و مصالح عمومی قرار می‌گیرند.

فرد نیست، بلکه وابسته به همگان بوده و سودش نیز متعلق به عموم است. بنابراین، در حوزه اختیارات و مسئولیت‌های دولت قرار می‌گیرد. این نهاد از طریق سازوکارهای قانون‌گذاری، قضایی، آموزشی و حمایت از فعالیت فرهنگی، به گسترش شرایط و ساختارهای مطلوب نهادینه‌سازی عفاف و حجاب در جامعه می‌پردازد.

سه - تعادل بخشیدن مسئولیت‌های اجتماعی

همان گونه که میان حقوق فردی و مسئولیت‌های فردی، توازن هستی‌شناختی وجود دارد، برای نظم و انسجام اجتماعی، باید مسئولیت اجتماعی با حقوق فردی و حقوق فردی با حقوق عمومی و مصالح جمعی تعادل برقرار باشد.

بدون تردید، دولت و حکومت بیش‌ترین مسئولیت و رسالت را در ایجاد چنین تعادلی دارد که این وظیفه را در فرآیند قانون‌گذاری و قضایی و سیاست‌های انتظامی با حمایت از حقوق عمومی، مصالح اجتماعی و مسئولیت‌های اجتماعی در مقابل حقوق فردی دنبال می‌کند. در بیش‌تر نظم‌های اجتماعی حتی فردگراترین آن‌ها، سلامت و پاکیزگی محیط زیست و خودداری از آلودگی آن، آسایش و آرامش عمومی و امنیت همگانی از مسئولیت‌های اجتماعی به شمار می‌روند که می‌توانند برای برخی حقوق فردی حتی آزادی رفتار، محدودیت‌هایی ایجاد کنند. هیچ‌کسی حق ندارد با استفاده از حق آزادی، مواد سمی، آلوده کننده و خطرناک و حتی زباله‌های خانگی را در گذرگاه‌ها، تفریح‌گاه‌ها، مراکز آموزش عمومی و مانند آن پخش کند و قانون‌چلو این فرد را خواهد گرفت.

امنیت روانی - روحی، سلامت اخلاقی و معنوی جامعه به ویژه در نظم دینی از شمار مسئولیت‌های اجتماعی است که هم رفتارها و هنجارهای آسیب‌رسان به آن‌ها را محدود و دولت را موظف به حمایت و توسعه چنین مسئولیت‌هایی می‌کند. نظم دینی، دولت و حکومت را به توسعه شرایط مطلوب تأمین و حمایت از پاکدامنی و پوشش فرامی‌خواند؛ یعنی مبنای حقوقی و فقهی را برای مسئولیت حکومت در این حوزه به ویژه چنین هنجارهایی فراهم می‌سازد.

پیامبر گرامی اسلام هنگامی که عمرو بن حزم رابه عنوان والی نجران در یمن منصوب کرده شرح وظایفی برای او نگاشت. پیامبر در بخشی از این آیین‌نامه کاری، او را مسئول پاک‌دامنی و حجاب مردم می‌داند و از او می‌خواهد به اقدامات عملی در این زمینه همت گمارد: و ینهی الناس ان یحتسب احد فی ثوب واحد یفرضی بفرجه الی السماء و ینهی ان یعقص احد شعر رأسه فی قفاه.^۳

و مردم را از این که لباس کوچکی بیوشند که عورتشان آشکار شود، بازدارد و از این که کسی موهایش را پشت سرش انباشته کند، نهی می‌کند. این فرمایشی که در واقع، وظایف دولت را نیز بازگو می‌کند، با صراحت، گسترش حجاب و عفاف را از کار ویژه‌های دولت می‌داند.

شخص پیامبر اعظم (ص) به عنوان رهبر دینی و مدیر جامعه اسلامی، پس از بیعت عقبه، برای اولین بار به طور رسمی از زنان برای انجام وظایف چندی بیعت و تعهد گرفت از آن جمله این بود که خیانت نکنند، گرد فحشا نگردند و فرزندان از زنا را به شوهران خویش نسبت ندهند.

مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) روا: امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود:

ان الله لا یعذب بذنب الخاصة انا عملت غیر ان تعلم العامة فاذا عملت الخاصة بالمذ العامة استوجب الفریقان العقوبة من الله عزو رسول الله (ص): ان المعصية انا عمل بها الع فاذا عمل بها علانية و لم یغیر علیه أضرت بال هرگاه یک فرد یا جمع خاصی، رفتار نادره انجام بدهند، بدون این که مردم از آن آگاهی خداوند، مردم را به گناه خواص عذاب نمی‌کند نخواهد شد! ولی هرگاه یک یا چند فرد خاص شرع و عرف و عقل را آشکارا و در منظر مردم آن‌ها اعتراض نکنند و آن‌ها را از آن کار باز ندارند دسته (فرد خاطی و مرتکب گناه و مردم) سزاوار خدا (ص) فرمود: همانا اگر فردی گناه و کار نادره دهد، زیان تنها متوجه فاعل آن می‌شود. هتة آشکارا انجام دهد و مردم در مقابلش سکوت بازداری از آن کاری نکنند، همگان آسیب می‌پذیرد از این فرمایش و رفتار و سخنان پیشین، مبنای حقوقی و فقهی بحث می‌توان برداشت:

۱. مسئولیت‌های اجتماعی، حقوق محدودیت‌هایی را برای حقوق و آزادی‌های فردی این اعمال محدودیت برابر با اسقاط و سه فردی نیست، بلکه ایجاد تعادل و توازن میان مس حقوق و مصالح همگانی با حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی قرار دارد.

۲. پاک‌دامنی و عفت عمومی، پوشش و حجاب و اجتماعی از مسئولیت‌های اجتماعی است و به و دینی، زیرمجموعه حقوق و مصالح عمومی قرار ه

۳. ایجاد چنین تعادل و توازنی برای رسیدن و عمومی، لازم و حیاتی است.

۴. هرچند در این مورد همه مسئول هستند، و به دلیل توانایی‌هایی که در اختیار دارد که از هما مردم و ملت است، بیش و پیش از دیگران باید اقداما حوزه عمومی اعمال کند.

براساس قانون، دولت در یک نظم دینی، مس شرایط مطلوب و شایسته برای تأمین پوشش، عفا پاک‌زیستی در جامعه است.

چهار - تأمین حقوق مذهبی

امروز کم‌تر نظامی وجود دارد که حقوق مذهبی دولت را موظف به حمایت از آن نداند. در اسادهای حقوقی و قانونی نظام‌های لیبرال نیز دولت‌ها را ه حمایتی از این حق دانسته‌اند که بیش‌تر شامل حق آ



نقل از
برآمن
ذلک
وقال
عاملها
نهانی
ورت،
براگیر
تلاف
ی به
نر دو
سول
تجام
ب را
رای

مذهب آموزش‌های مذهبی، رفتارهای دینی و دست‌رسی به اطلاعات مذهبی و نشر آن‌ها از طریق رسانه‌ها می‌شود. البته محدودیت‌هایی نیز در چارچوب قانون و نظام حاکم در نظر گرفته شده است. برای نمونه در پروتکل کنوانسیون حقوق بشر اروپایی آمده است: دولت باید به حقوق والدین از طریق تأمین حقوقی چون آموزش و پرورش هم‌نوا با باورهای راسخ مذهبی و فلسفی آن‌ها احترام بگذارد. نیک می‌دانیم که هیچ مذهبی به ویژه ادیان توحیدی و آسمانی خواهان^۳ برهنگی و بی‌عفتی نیستند، بلکه پوشش، عفت و پاک‌دامنی از آموزه‌های اصیل آن‌ها به شمار می‌رود. بنابراین، حمایت از حقوق مذهبی برابر است با احترام گذاشتن به چنین آموزه‌ها و باورهای اساسی. این مسئولیت و رسالت در جوامعی که دین، مینا و هدف نظم آن جامعه را می‌سازد، پر دامنه می‌گردد. از این رو، در چنین جوامعی، مسئولیت دولت برای گسترش پیش زمینه‌ها و ساختارهایی که به زایش و بالندگی عملیاتی هنجار پوشش و پاک‌دامنی بیانجامد سنگین و پررنگ‌تر است. به همین دلیل، پیامبر بزرگوار اسلام به عمرو بن حزم که سمت مدیر و والی را در بخشی از جامعه اسلام بر عهده داشت، دستور داد که شرایط لازم را برای توسعه پوشش و پاک‌دامنی فراهم کند.

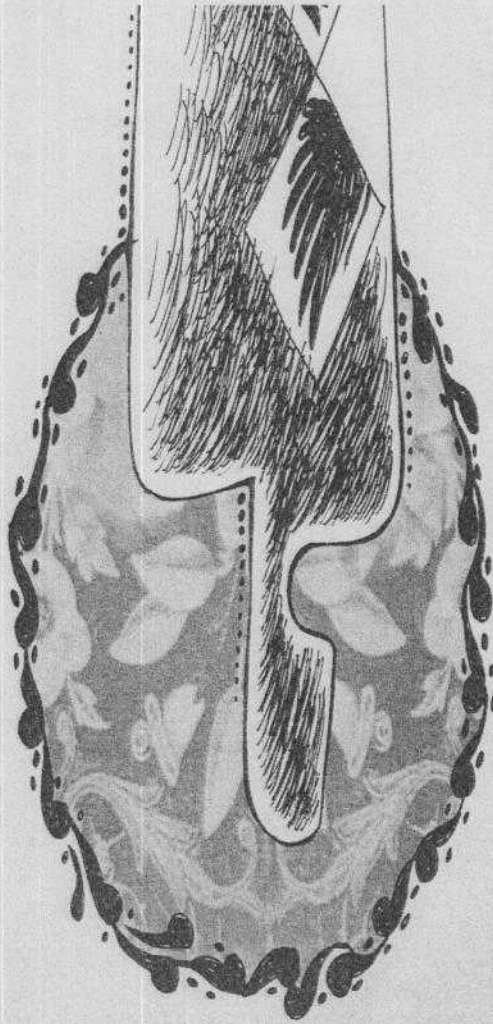
در راستای تأمین و حمایت حقوق مذهبی در نظام اسلامی، باید دانست خداوند در آیه ۸ سوره ممتحنه دستور می‌دهد با کسانی که با شما (مسلمان‌ها) به خاطر دین جنگ نمی‌کنند و شما را از وطن بیرون نکرده‌اند با آن‌ها به نیکویی و عدالت رفتار کنید. لازمه عدالت‌ورزی نیز احترام به حقوق آن‌هاست که از حقوق مذهبی‌شان به شمار می‌رود. پیامبر اعظم نیز در دوران حکومت در مدینه و در پیمان‌های خویش، از حقوق مذهبی پیروان ادیان دیگر حمایت می‌کرد.

ب) مبارزه با فساد و فحشا

یکی دیگر از کارویژه‌های دولت برای حفظ و تقویت نظم اجتماعی و امنیت عمومی، مبارزه با انواع فحشا و فساد است. فساد و فحشا، رفتارهای بسیار متغیر و سیالی هستند که به تبع شرایط، اوضاع و فرهنگ‌ها هم متفاوت می‌شوند و هم به صورت‌های تازه‌ای، زایش و رویش می‌یابند. قدر متیقن در این برآیند آن است که نظم اجتماعی و امنیت عمومی را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد و آدمیان و جامعه بشری در حالت هنجاری و منطقی حرکت‌شان از آن دوری می‌گزینند.

در نظم و جامعه دینی، آلودگی‌های جنسیتی و اخلاقی و بی‌حجابی از گونه‌های فساد و فحشا به شمار می‌آیند. پس دولت در چارچوب قانون و با توجه به خاستگاه و نیازمندی‌های نظم دینی جامعه، مسئول جلوگیری از گسترش یافتن فساد و فحشا و به تبع آن، بی‌حجابی است. دولت برای ممنوع و محدود کردن فساد و فحشا و گسترش هنجارهای سالم و سازنده در جامعه، ابزار و سازوکارهای مختلفی در دست دارد. نهادهای آموزشی به ویژه آموزش و پرورش، بهترین، کارآمدترین و گسترده‌ترین ابزار نهادینه‌سازی

از فحشا



در این آیه شریفه، خداوند، انجام برخی رفتارها از پاره‌ای دیگر بازداشته است. روشن است که به عدالت‌گستری، بازداری از فحشا و تجاوز بد، حرکت جمعی سازمانی یافته عملی نمی‌شوند. این ظرفیت برخوردار هستند، در خط مقدم ایر طبیعی است که دولت یکی از مهم‌ترین آن‌ها

۳. «هو الذی بعث فی المبین رسولا منہم بزرگوار و یعلمهم الکتاب و الحکمة»^{۳۶}

در واقع، این آیه شریفه با منطوقش، کارکرد دولت در پاک ساختن جامعه و مردم را که از م پیش آورده استفاده کردیم، بیان می‌کند.

به این ترتیب براساس آیات یادشده، گسترش و مطلوب پاک‌دامنی عمومی، پوشش و با مسئولیت‌های دولت و حکومت به ویژه در نظم

دو- مبانی مسئولیت دولت برای مبارزه در حدیث

۱. فضل بن شاذان وقتی از امام رضا(ع) در دولت و حکومت و ضرورت اطاعت از آن می‌می‌فرماید:

لعل کثیرة: منهما: ان الخلق لما وقفوا علی لا یتعدوا ذلک لما فیہ من فسادهم لم یکن یتبذ یجعل علیهم فیہ امینا یمنعهم من التعدی و الذخیر لانه لو لم یکن ذلک کذلک لکان احد لا یتبرک ل غیره فجعل علیهم قیما یمنعهم من الفساد و الاحکام...»^{۳۷}

امام در این روایت، علل زیادی را برای ضرورت برمی‌شمرد و از میان آن‌ها به عواملی می‌پردازد که وظیفه دولت هستند.

الف) دولت، امانت‌دار مردم است و مهم‌ترین اما، و حیات آدمیان است.

ب) این امانت هنگامی حفظ و حمایت می‌شود حیثیت و شخصیت انسان‌ها احترام گذارده و از به عواملی که به پاک‌دامنی و عفت آدمیان آسیب شود. این کار ممکن نیست، مگر این که محدودیت‌های رفتار و کردار انسان‌ها در زندگی اجتماعی اعمال، کنترل آن‌ها زمینه زندگی سالم و صالحی برای هر گسترش پاک‌دامنی، عفت و پوشش، زمینه‌ساز این زندگی پس دولت در کنار دیگر نهادها مانند سیاست‌گذاران دینی، مسئولیت و رسالت ویژه‌ای در این مورد دارد.

۲. امام صادق(ع) از پدران نقل می‌کند که پیامبر در یکی از سفارش‌هایش به علی(ع) می‌فرماید:

یا علی، شر الناس من اکرمه الناس اتقاء فحشه و اعلی، بدترین مردم کسی است که انسان‌ها به خاطر د

هنجارها، رفتار و ساختارهای سالم در مقیاس بزرگ و عمومی در جامعه است. افزون بر آن، به کارهای زیر می‌توان اشاره کرد: ایجاد تسهیلات در امر ازدواج و برداشتن موانع و آداب دست و پاگیر در این زمینه، کارآفرینی برای جوانان، تولید کالاهای فرهنگی سالم، نظارت بر تولید، توزیع و واردات کالاهای پوششی و آرایشی و عرضه الگوها و طرح‌های برتر و زیبا در این زمینه، مدیریت ظرفیت و تقاضا در رابطه با هنجارهای سالم و سازنده.

یک- مبانی مسئولیت دولت برای مبارزه با فساد و فحشا در قرآن

۱. «و اذا تولى سعى فى الارض لفسد فیها و بهلک الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد»^{۳۸}

و چون به ولایت و حکومت رسند، در جامعه و زمین فساد می‌کنند و دارایی و نسل انسانی را از بین می‌برند. خداوند، فساد را دوست ندارد.»

خداوند در این آیه شریفه، از عملکرد ویرانگر و فسادزای دولت و حکومت انتقاد و آن را محکوم می‌کند. براساس مفهوم این آیه شریفه، آبادانی روحی و جسمی جامعه، مبارزه با فساد و حمایت از تلاش سازنده افراد از شمار وظایف و عمل‌کردهای خواسته شده از دولت است که پاک‌دامنی و پوشش را در همین زمینه می‌توان دانست.

۲. «ان الله یامر بالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربى و ینهى عن الفحشاء والمنکر والبغی»^{۳۹}

بیده و
چون
ژم و
که از
بارند.

ته و

برانه
یات

بالم
از
ت
شما

ت
خ

ن
ن
م
اد
د

ت
:

آسیب کردار زشت و ناروایش، او را تکریم و احترام کنند.
پیداست که وصایای پیامبر به علی(ع) به منزله شرح وظایف و
دستور عملی برای ساختن و اداره جامعه است. قدر مسلم این است که
در جامعه دینی، فساد و فحشا نباید به هنجار تبدیل شود و افراد و
نهادهایی که توانایی اصلاح‌گری دارند، در خط مقدم مسئولیت قرار
دارند که دولت یکی از آنها است.

۳. مالک از زید بن اسلم از پیامبر اکرم(ص) روایت کرده است که
فرمود:

«ایها الناس، قد أن لكم ان تنتهوا عن حدود الله من اصاب من هذه
القادرات شيئاً فليستتر عنا بستر الله فانه من يبد لنا صفحته نقم عليه
كتاب الله»^{۳۸}

مردم! وقت آن رسیده است که از حدود خداوند دست باز دارید و
آن‌ها را محترم شمردید. هرکس مرتکب رفتار ناشایست شده است، با
ستاریت خداوند، آن‌ها را بیوشاند، ولی کسی که به آشکارا گناه کند،
دستورهای کتاب خداوند را بر وی جاری خواهیم کرد.»

بنابراین فرمایش، وظیفه و رسالت حکومت در جامعه دینی آن
است که از پیدایش هرگونه رفتار ناشایسته و ناسالم در حوزه عمومی و
جامعه جلوگیری شود و در صورتی که چنین رفتارهایی پنهانی انجام
بگیرد و نمود اجتماعی نداشته باشد، دولت مسئولیت مستقیمی ندارد.
از سوی دیگر، بی‌حجابی، رفتار خلاف اخلاق و عفت عمومی هنگامی
که آشکارا در سطح جامعه عمومیت پیدا کند، رفتار ناشایسته و آلوده
کننده و خلاف دستورهای دینی است. دولت نیز باید اقدام لازم را برای
کنترل آن انجام بدهد.

نتیجه

برآیند بوییش در این جستار این شد که در جامعه دینی، دولت و
حکومت یکی از نهادها و مراجع است که در کنار دیگر نهادها و مراجع،
مسئولیت و رسالت دشوار در جهت گسترش و زایش شرایط و زمینه‌های
سالم برای هنجارهای چون عفت، پاکدامنی عمومی و حجاب در
رویه‌ها و لایه‌های اجتماعی دارد. وانگه رهیافت دلایل یاد شده این
است که مسئولیت و وظیفه دولت در این مهم چند مختصه زیر را دارد:
۱. این مسئولیت در انحصار دولت نبوده، هر چند دولت یکی از
مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد.

۲. انجام چنین مسئولیت با روش و شیوه‌های عقلانی، آرام و
تدریجی و به دور از عامل زور و اجبار دنبال و اعمال می‌گردد. آگاهی
بخشی و فرهنگ‌سازی در انجام این مسئولیت نقش کلیدی دارد.

۳. مسئولیت و ورود دولت، در چارچوب قانون و با دلایل روشن،
محکم، قانع‌کننده و کامل می‌باشد. دلایلی که برای این جستار و
مسأله آورده شده و نتیجه‌ای نامبرده از آن برمی‌آید همانا سه دلیل بود:
یک) ولایت بر امر به معروف و نهی از منکر. دو) ولایت بر امور حسبه.
سه) تقویت و تأمین نظم اجتماعی و امنیت عمومی

پی نوشت:

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۳، باب ۳، ح ۱.
۲. آل عمران، ۱۰۴.
۳. حج، ۴۱.
۴. حج، ۳۸ و ۴۰.
۵. اعراف، ۱۵۷.
۶. اعراف، ۱۸۱.
۷. جمعه، ۲.
۸. نساء، ۱۴.
۹. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۹۳.
۱۰. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۲، باب ۲، ح ۸.
۱۱. همان، ص ۴۰۰، ح ۱.
۱۲. همان، ص ۴۰۳، ح ۱۰.
۱۳. همان، ج ۱۸، ص ۳۰۸، باب ۱، مقدمات الحدود و احکامها، ح ۳.
۱۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰، کتاب الحجبه، باب نادر جامع
فی فضل الامام، ح ۱؛ محمد بن علی شیخ
۱۵. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، کتاب الامر بالمعروف و نهی عن
المنکر، ص ۳۶۱.
۱۶. محمد بن محمد بن احمد بن ابی زید ابن اخوه معالم القریه فی احکام الحسیه،
صص ۸۴، ۱۰۱ و ۱۳۶، چاپ مصر، صص ۳۲، ۱۵ و ۱۹، چاپ کیمبرج لندن.
۱۷. حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی، ص ۱۰۸.
۱۸. ایچ لیسناف مارکل، فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه: خشایار دیهیمی، صص
۳۳۵ و ۳۴۵.
۱۹. اعراف، ۱۵۷.
۲۰. حج، ۴۱.
۲۱. آینه زن (مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری)، تدوین: امیر حسین
بانکی پورفر، ص ۳۴۹.
۲۲. Chaste.
۲۳. Pickthall.
۲۴. شعراء، ۱۸۳.
۲۵. فرقان، ۶۳.
۲۶. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۳، باب ۱، ابواب نقات، کتاب نکاح، ح ۲.
۲۷. همان، ج ۱۹، ص ۴۷، ابواب قصاص، باب ۲۳، ح ۱.
۲۸. گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین المللی حقوق بشر، تهیه و تنظیم: مرکز مطالعات
و تحقیقات حقوق بشر، ص ۸۹.
۲۹. Common right.
۳۰. Joint right.
۳۱. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۴۱، تاریخ طبری، ج ۳، صص ۱۷۲۷-۱۷۲۹.
۳۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۷، باب ۴ (و جوب انکار العامه علی الخاصه...)، ح
۱.
۳۳. در باب ۱۴ از سفر پیدایش چنین می‌خوانیم: «چون ربقا (زن آینده او) از آمدن
اسحاق به وسیله غلام خود آگاهی یافته مرقع (رو بند) برگرفته و خود را بیوشاندی.
۳۴. بقره، ۲۰۵ و ۲۰۶.
۳۵. نحل، ۹۰.
۳۶. جمعه، ۲.
۳۷. محمد بن علی شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۹۵، ح ۱، ص ۲۵۳، باب ۱۸۲.
۳۸. (چاپ دیگر): عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۱، باب ۳۴، ح ۱.
۳۸. مالک ابن انس، الموطاء، ج ۲، ص ۱۶۹، کتاب الحدود، باب من جاء فیمن اعترف
علی نسخه بالزنا، ج ۱۲.